

شماره ۹۱۳-۹

تاریخ ۲۸/۴/۵۸

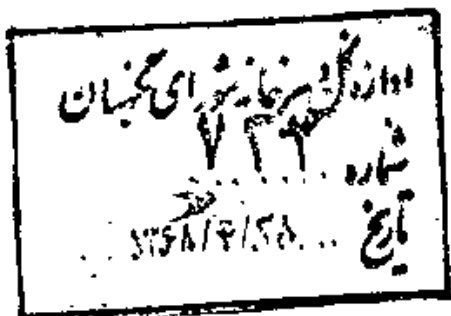
پیوست



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

اداره کل قوانین و تندنویسی



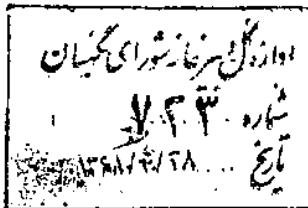
بیت

شورای محترم نگهبان

لایحه شماره ۴۳۱۰۲/ل/۱۸ مورخ ۱۳۶۶/۴/۲۲ دولت در خصوص تشکیل دادگاههای کیفری یک و دو که بنا به تصمیم مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۱۳۶۷/۱۰/۴ تصویب آن طبق اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی به کمیسیون امور قضائی و حقوقی تفویض شده بود تا پس از تصویب پیشنهاد مدت اجرای آزمایشی تقدیم مجلس شورای اسلامی گردد، در جلسه مورخ ۱۳۶۸/۲/۱ با اصلاحاتی در عنوان و متن بتصویب کمیسیون مذکور رسید و در جلسه علنی روز چهارشنبه ۱۳۶۸/۳/۳۱ با پنج سال مدت آزمایشی موافقت گردید که مجدداً جهت رفع ایراد شورای محترم نگهبان در جلسه مورخ ۱۳۶۸/۴/۲۰ کمیسیون مذکور بتصویب رسیده است در اجرای اصل نود و چهارم قانون اساسی جهت بررسی و اظهار نظر آن شورای محترم به پیوست ارسال می گردد. ع.

رئیس مجلس شورای اسلامی

اکبر هاشمی



بسم تعالی

لایحه تشکیل دادگاههای کیفری ۱ و ۲ و شعب دیوانعالی کشور

### فصل اول - محاکم کیفری

#### مبحث اول - در تشکیل دادگاهها و صلاحیت آنها

ماده ۱ - دادگاههای کیفری به ترتیب مقرر در این قانون تشکیل و به جرایمی که مطابق قوانین دارای مجازات زیر بوده و در صلاحیت دادگاههای دیگری نباشند رسیدگی و حکم مقتضی صادر می نمایند .

۱ - حدود

۲ - قصاص

۳ - دیات

۴ - تعزیرات

۵ - مجازاتهای بازدارنده

ماده ۲ - دادگاههای کیفری به دادگاههای کیفری ۱ و دادگاههای کیفری ۲ تقسیم می شوند . در معیت دادگاههای کیفری ۱ و ۲ دادسرای عمومی انجام وظیفه می نماید .

ماده ۳ - دادگاههای کیفری ۱ و ۲ تشکیل می شود از یک نفر رئیس یا عضو علی البدل .

ماده ۴ - هرگاه رئیس یا عضو علی البدل نسبت به مواردی از رئیس کل دادگاهها یارئیس دادگستری حوزه متبوعه درخواست مشاور کند ، رئیس مکلف به اعزام مشاور است . در این صورت قبل از اتخاذ تصمیم دادگاه ، مشاور مکلف است پرونده را دقیقاً مطالعه و بررسی نموده نظر مشروح و مستدل خود را در اسرع وقت و کتبا اعلام نماید . تخلف مشاور از این امر موجب محکومیت انتظامی تا درجه ۳ خواهد بود .

تبصره ۱ - چنانچه پس از خاتمه رسیدگی ، مشاور حداکثر ظرف مدت ۵ روز نظر مشورتی خود را به دادگاه تسلیم نکند ، قاضی دادگاه راساً اتخاذ تصمیم می نماید .

تبصره ۲ - چنانچه قاضی دادگاه به تشخیص شورای عالی قضایی مجتهد جامع الشرایط باشد پس از خاتمه رسیدگی بدون اینکه منتظر نظر مشورتی بماند میتواند اتخاذ تصمیم نماید .

ماده ۵ - دادگاه کیفری ۱ در مراکز استانها و شهرهایی که شورای عالی قضایی



## بیمه تعالی

تاسیس آنرا لازم بدانند تشکیل می شود و حسب مورد میتواند دارای شعب متعدد باشد ،  
تخصیص هر شعبه به هریک از انواع جرائم با شورای عالی قضایی است .

تبصره - هرگاه در محلی دادگاه کیفری ۱ تشکیل نشده باشد ، رسیدگی به جرائم  
آن محل که در صلاحیت دادگاه کیفری ۱ است ، با نزدیکترین دادگاه کیفری ۱ حوزه  
قضایی همان استان خواهد بود .

ماده ۶ - دادگاه کیفری ۲ در شهرهایی که شورای عالی قضایی لازم بدانند تشکیل  
می شود و حسب مورد می تواند دارای شعب متعدد باشد . تخصیص هر شعبه به هریک از  
انواع جرائم با شورای عالی قضایی است .

ماده ۷ - دادگاههای کیفری ۱ با رعایت ماده ۱ این قانون به جرائم زیر رسیدگی  
می نمایند .

الف - جرمی که کیفر آن اعدام ، رجم ، صلب و نفی بلد به عنوان حد باشد .

ب - جرمی که کیفر آن قطع یا نقص عضو باشد .

ج - جرمی که کیفر آن به حسب قانون ۱۰ سال زندان و بالاتر باشد .

د - جرمی که کیفر آن به حسب قانون بیش از دویست هزار تومان جزای نقدی باشد .

ه - جرمی که کیفر آن نصف دیه کامل هریک از موارد ششگانه و یا بالاتر باشد اعم از عمد یا شبیه  
عمد و یا خطا محض .

تبصره ۱ - هرگاه جرمی که ادعا شده احتمال ترتب یکی از کیفرهای مذکور بر آن  
باشد و پس از ختم دادرسی معلوم شود که کیفر آن کمتر از امور مذکوره است ، دادگاه  
کیفری ۱ مبادرت به انشاء حکم خواهد کرد .

تبصره ۲ - هرگاه در محلی دادگاه کیفری ۲ تشکیل نشده و یا تشکیل شده ولی  
پرونده هایش متراکم است و یا دادگاه فاقد قاضی باشد و نیز در صورتی که قاضی دادگاه  
کیفری ۲ مطابق قانون صلاحیت رسیدگی به پرونده های را ندارد ، دادگاه کیفری ۱  
می تواند بر حسب ارجاع رئیس کل به پرونده هایی که در صلاحیت کیفری ۲ است نیز  
رسیدگی نماید .

ماده ۸ - رسیدگی به جرمهایی که مجازاتش غیر کیفرهای مذکور در ماده قبل و  
تبصره های آن باشد ، بمعده دادگاه کیفری ۲ می باشد .

ماده ۹ - در نقاطی که تشکیل دو شعبه دادگاه حقوقی و کیفری میسر نباشد یک شعبه  
دادگاه حقوقی ۱ یا کیفری ۱ به کلیه دعاوی حقوقی و جرائم رسیدگی خواهد کرد .  
هرگاه دادگاه واحد از نوع دادگاه حقوقی ۲ یا کیفری ۲ باشد به دعاوی حقوقی و جرائم



## تعالیه

- در حد صلاحیت دادگاه حقوقی و کیفری ۲ رسیدگی خواهد نمود .
- تبصره - در این موارد هرگاه دادسرا در محل تشکیل نشده باشد وظایف دادسرا به عهده رئیس دادگاه یا عضو علی‌البدل می‌باشد .
- ماده ۱۰ - در جاهائی که دادگستری تشکیل نشده است یک دادگاه حقوقی ۲ می‌تواند تشکیل و به دعاوی و شکایاتی که در صلاحیت حقوقی ۲ و کیفری ۲ می‌باشد رسیدگی نماید و چنانچه یک دادگاه کافی نباشد دو دادگاه یکی حقوقی ۲ و یکی کیفری ۲ تشکیل و طبق صلاحیتهای خود عمل می‌کنند .
- ماده ۱۱ - هرگاه کسی مرتکب جرمی شود در دادگاهی رسیدگی می‌شود که جرم در حوزه آن وقوع یافته است و اگر شخصی مرتکب چندین جرم در جاهای مختلف بشود ، در دادگاهی به آن جرائم رسیدگی می‌شود که مهمترین جرم در حوزه آن واقع شده است و هرگاه جرائم ارتكابی از یک درجه باشد ، دادگاهی که متهم در حوزه آن دستگیر شده به آن رسیدگی می‌نماید . در این صورت دادسرای هر محل تحقیقات لازم را موافق تکالیف خود بعمل آورده به دادستان دادگاهی که باید رسیدگی نماید نتیجه تحقیقات را ارسال می‌دارد .
- تبصره - در مواردی که قانون ترتیب دیگری را پیش‌بینی کرده است مشمول این ماده نمی‌شود .
- ماده ۱۲ - هرگاه کسی متهم به ارتکاب چندین جرم از انواع مختلف باشد با رعایت صلاحیت ذاتی در دادگاهی محاکمه می‌شود که صلاحیت رسیدگی به مهمترین جرم را دارد .
- تبصره - به اتهامات متعدد متهم باید توأماً و یکجا رسیدگی شود لیکن اگر رسیدگی به تمام آنها موجب تعویق باشد دادگاه میتواند نسبت به اتهاماتی که تحقیقات آنها کامل باشد حکم یا قرار مقتضی صادر کند .
- ماده ۱۳ - در کلیه جرائمی که متهمین متعدد باشند و یامعاون و شریک داشته باشند و در صورتی که به یک یا چند نفر از آنها دسترسی نباشد و تفکیک ممکن باشد دادگاه باید رسیدگی را تفکیک و تکلیف متهمین حاضر را معین نماید و پرونده نسبت به غائبین مفتوح خواهد ماند .
- ماده ۱۴ - شرکا و معاونین جرم در دادگاهی محاکمه می‌شوند که صلاحیت رسیدگی به اتهام مجرم اصلی را دارد .
- ماده ۱۵ - هرگاه یکی از اتباع ایران در خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی



## تعالی

ایران مرتکب جرمی شده و در ایران دستگیر شود در دادگاهی محاکمه می شود که در حوزه آن دستگیر شده است .

ماده ۱۶ - در مواردی که دادگاه به ضرر و زیان ناشی از جرم رسیدگی می کند نصاب خاصی برای زیان وارده نمی باشد و حکم صادره مشمول مقررات حاکم بر همان دادگاه است .

تبصره - در صورتی که دعوی جزایی در دادگاه کیفری منتهی به صدور حکم برائت متهم یا قرار موقوفی تعقیب شود دادگاه مزبور مکلف است به دعوی حقوقی در صورتیکه در دادگاه کیفری مطرح شده باشد رسیدگی کرده و رای صادر نماید .

ماده ۱۷ - حل اختلاف در صلاحیت بین دادگاههای کیفری طبق قواعد دادگاههای حقوقی است .

تبصره ۱ - مرجع حل اختلاف بین دادگاههای انقلاب و نظامی و نیز بین هریک از دادگاههای مزبور با دیگر دادگاههای دادگستری دیوان عالی کشور است .

تبصره ۲ - حل اختلاف بین دادسراها تابع قواعد حل اختلاف دادگاههای همان دادسراها است .

ماده ۱۸ - در شهرهایی که شعب متعدد کیفری و حقوقی و مدنی خاص تشکیل شده باشد رئیس شعبه اول ریاست کل دادگاههای حقوقی و کیفری و مدنی خاص را دارا بوده و پرونده های واصله را به شعب مربوطه ارجاع می کند .

تبصره - روسای دادگستریها به تعداد مورد نیاز با تصویب شورای عالی قضایی از بین قضات میتوانند معاون داشته باشند .

ماده ۱۹ - رئیس کل دادگاههای هر شهرستان به عنوان رئیس دادگستری آن شهرستان بر کلیه دادگاههای حقوقی و کیفری و مدنی خاص و دادسرای عمومی محل نظارت و ریاست اداری دارد . همچنین رئیس دادگستری شهرستان مرکز استان ریاست اداری و نظارت بر امور دادگستری های شهرستان حوزه آن استان را خواهد داشت .

تبصره ۱ - روسای دادگستری مکلفند در امور اداری دادسراها موافقت دادستان محل را جلب نمایند .

تبصره ۲ - تصدی امور اداری در غیاب رئیس دادگستری ، با دادستان همان شهرستان است .

ماده ۲۰ - شورای عالی قضایی میتواند بمنظور جلوگیری از تراکم پرونده ها و جهت تسریع در رسیدگی و جلوگیری از تعویق پرونده ها قضات دادگاه حقوقی اعم از ۱ یا ۲ و یا



## بیتعالی

مدنی خاص را با حفظ سمت مامور رسیدگی به پرونده‌های کیفری ، انقلاب و یا قضات دادگاههای کیفری را حسب ضرورت فوق با حفظ سمت مامور رسیدگی به پرونده‌های حقوقی نماید .

ماده ۲۱ - به شورای عالی قضایی اجازه داده می‌شود افراد واجد شرایط قضا را با صدور ابلاغ قضایی برای مدت معین به هر نقطه‌ای از کشور ماموریت بدهند و میسران صلاحیت رسیدگی آنان را در ابلاغ تعیین نمایند . قضات مذکور نسبت به تصمیمات متخذه در قبال دادگاه انتظامی قضات مسؤل میباشند و در صورتی که قاضی محل مشغول رسیدگی به پرونده‌های شده باشد با رضایت وی قاضی مامور مجاز رسیدگی به پرونده مربوط خواهد بود .

### مبحث دوم - در شروع رسیدگی

- ماده ۲۲ - دادگاههای کیفری در موارد زیر شروع به رسیدگی می‌نمایند .
- ۱- اقامه دعوی و شکایت شاکی یا مدعی خصوصی به واسطه وقوع جرم یا ضرر و زیانی که از جرم به آنان وارد آمده است .
  - ۲ - در مورد جرائم مشهودی که جنبه عمومی دارد و یا جرائمی که زمینه رایبه تشخیص قاضی برای جرائم عمومی فراهم می‌آورد .
  - ۳ - اعلام و اخبار ضابطین دادگستری یا اشخاصی که از قولشان اطمینان حاصل شود ( در جرائمی که دارای جنبه عمومی است ) .
  - ۴ - تقاضانامه و یا کیفرخواست دادسرا .
  - ۵ - حکم دادگاه کیفری ۲ در تعقیب امر جزایی در مقام حل اختلاف عقیده بین بازپرس و دادستان .
  - ۶ - سایر مواردی که در قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی پیش‌بینی شده باشد .
- ماده ۲۳ - مدعیان خصوصی میتوانند شخصا یا توسط وکیل شکایت نمایند .
- ماده ۲۴ - در مواردی که شکات و مدعیان خصوصی شخصا یا توسط وکیل مستقیما به دادگاههای کیفری شکایت و اقامه دعوی مینمایند باید در عرضحال خود موارد زیر را مشروحا قید کنند .
- ۱ - نام و نام خانوادگی و نام پدر و نشانی دقیق خود .
  - ۲ - موضوع شکایت و ذکر اینکه در چه تاریخی و در کجا واقع شده است .
  - ۳ - ضرر و زیانی که به مدعی وارد شده و مورد مطالبه است .
  - ۴ - ذکر مشخصات و نشانی مشتکی عنه یا مظنون .



## تعالیه

- ۵ - ذکر اسامی و مشخصات و نشانی مطلعین و سایر ادله .  
تبصره - چنانچه عرضحال ناقص یا شفاهی باشد مراتب در صورت جلسه تنظیمی  
وسیله دفتر دادگاه منعکس و به امضاء یا اثر انگشت شاکی می‌رسد و اگر نتواند امضاء کند  
یا انگشت بزند مراتب قید می‌شود .
- ماده ۲۵ - هرگاه طرف مدعی غیرمعین بوده یا دلائل اقامه دعوی کافی نباشد  
و موضوع مهم و صرفنظر از شکایت مدعی خصوصی قابل تعقیب و رسیدگی باشد ، دادگاه  
کیفری تحقیقات لازم را از ضابطین دادگستری می‌خواهد .
- ماده ۲۶ - ضابطین دادگستری هرگاه جرائمی را کشف نمایند که راجع به دادگاههای  
کیفری است و صرفنظر از وجود یا فقد مدعی یا شاکی قابل تعقیب باشد به محاکم کیفری  
با ذکر موارد زیر اطلاع می‌دهند .
- ۱ - محل و تاریخ وقوع جرم .
  - ۲ - مشخصات مظنون .
  - ۳ - دلائل جرم .
  - ۴ - شاکی دارد یا خیر .
  - ۵ - مشخصات شهود .
  - ۶ - نشانی کامل طرفین پرونده و مطلعین .
- تبصره - در موارد زیر ضابطین دادگستری ضمن اعلام جرم میتوانند متهم را به  
دادگاههای کیفری معرفی نمایند .
- ۱ - هرگاه مرتکب در حین ارتکاب جرم دستگیر شده و محل اقامت او معین نیست و  
نمی‌توان اطمینان به اظهار او در باب اسم و محل اقامت او حاصل نمود .
  - ۲ - در صورتیکه عمل مرتکب مستلزم مجازات حبس یا قصاص یا دیه یا حد است و  
احتمال می‌رود که آثار عمل ارتکاب خود را معدوم نماید یا فرار کند .
- ماده ۲۷ - قاضی دادگاه کیفری در کلیه جرائم نظر به اوضاع و احوال قضیه و موضوع  
میتواند تعقیب و محاکمه متهم را بلافاصله و مستقیماً در دادگاه آغاز نماید . چنانچه  
محاکمه نیاز به تحقیقات مقدماتی داشته باشد میتواند تحقیقات را راساً انجام دهد یا  
انجام آنرا از دادسرا یا ضابطین دادگستری بخواهد و در آن نظارت نماید . در این  
صورت پس از انجام تحقیقات و اقدامات مورد نظر پرونده به دادگاه ارسال می‌شود .  
تبصره - در موارد فوق اخذ تأمین لازم از متهم به عهده دادگاه خواهد بود .
- ماده ۲۸ - رئیس یا عضو علی‌البدل دادگاههای کیفری اعم از ۱ یا ۲ پس از  
رسیدگی و محاکمه و مطالعه پرونده و نظریه مشاور ( در صورتیکه دادگاه دارای مشاور باشد )



## بیتعالی

راسا مبادرت به انشاء حکم می نماید . حکم مزبور جز در موارد تجدیدنظر مذکور در این قانون و در قانون تعیین موارد تجدیدنظر احکام دادگاهها و نحوه رسیدگی آنها مصوب ۱۳۶۷/۷/۱۴ قطعی است .

تبصره ۱ - نحوه اجرای احکام اعدام ، رجم ، صلب ، قطع یا نقص عضو مطابق آئیننامه ای است که توسط شورای عالی قضایی تهیه و تصویب خواهد شد .

تبصره ۲ - پرونده هائی که در تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون منتهی به ابراز نظر و استنباط شده پس از اظهار نظر دیوان عالی کشور دادگاه کیفری ۱ با لحاظ نظر دیوان عالی کشور به تشخیص خود مبادرت به انشاء حکم خواهد نمود .

ماده ۲۹ - احکام دادگاههای کیفری باید مستدل و موجه بوده مستند به مواد قانون و اصولی باشد که براساس آن حکم صادر شده است . دادگاهها مکلفند حکم هر قضیه را در قوانین مدونه بیابند و اگر قانونی نباشد با استناد به منابع فقهی معتبر یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نمایند و دادگاهها نمی توانند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به شکایات و دعاوی و صدور حکم امتناع ورزند .

تبصره - در صورتی که قاضی مجتهد جامع الشرایط باشد و فتاوی فقهی او مخالف قانون مدون باشد پرونده جهت رسیدگی به قاضی دیگری محول می شود .

ماده ۳۰ - در جرایم واموری که جنبه حق الهی دارند محاکمه باید با حضور متهم صورت گیرد و در چنین مواردی دادگاههای کیفری مجاز به محاکمه و صدور حکم غیابی نسبت به جنبه حق الهی نمی باشند ولی جهت حق الناسی آنها در غیاب متهم قابل رسیدگی است .

### مبحث سوم - در تجدیدنظر

ماده ۳۱ - موارد تجدیدنظر نسبت به احکام و قرارهای دادگاههای کیفری و چگونگی رسیدگی به آن و مرجع تجدیدنظر به استثناء مواردی که در این قانون تصریح گردیده بنحوی است که در قانون تعیین موارد تجدیدنظر احکام دادگاهها و نحوه رسیدگی آنها پیش بینی شده است .

ماده ۳۲ - در مواردی که دادگاه کیفری ۱ به پرونده هائی که در صلاحیت دادگاه کیفری ۲ است رسیدگی می نماید رسیدگی تجدیدنظر نسبت به حکم یا قرار صادره بعهدہ شعبه دیگر دادگاه کیفری ۱ همان حوزه قضائی می باشد و در صورت وحدت شعبه ، رسیدگی مزبور با نزدیکترین دادگاه کیفری ۱ خواهد بود .





## تعلات

ماده ۳۳ - هرگاه در تطبیق عمل ارتكابی بامواد قانونی واحتساب مدت مجازات و محاسبه جریمه و جزای نقدی و ضرر و زیان مدعی خصوصی و یادکر اسم و مشخصات متهم و مدعی خصوصی و مانند آن از طرف دادگاه صادرکننده حکم اشتباهی رخ داده باشد دادگاه صادرکننده حکم حق اصلاح اشتباه موارد فوق را دارد و هرگاه پرونده در مرجع تجدیدنظر مطرح شده باشد مرجع مزبور بدون اینکه اساس حکم را نقض نماید، اشتباه را رفع نموده و حکم را تصحیح می نماید .

ماده ۳۴ - شاکی یا مدعی خصوصی نسبت به حکم براءت متهم در صورت وجود جهات تجدیدنظر مذکور در قانون تعیین موارد تجدیدنظر احکام دادگاهها و نحوه رسیدگی آنها مصوب ۱۳۶۷/۲/۱۴ حق تجدیدنظر دارد .

ماده ۳۵ - هرگاه رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور آراء هریک از محاکم اعم از حقوقی ، کیفری ، مدنی خاص ، انقلاب و نظامی را ولو اینکه در مقام تجدیدنظر صادر شده باشد نسبت به موارد تجدیدنظر مذکور در قانون تعیین موارد تجدیدنظر احکام دادگاهها و نحوه رسیدگی آنها قابل تجدیدنظر بدانند حق درخواست تجدیدنظر بنحو مندرج در قانون مذکور را دارند . در مورد این ماده مرجع تجدیدنظر مجدد آراء صادره وسیله دادگاه در مقام تجدیدنظر دیوان عالی کشور است .

تبصره - آرائی که وسیله دادگاههای حقوقی یا کیفری و نظامی یک در مقام رسیدگی تجدیدنظر نسبت به آراء دادگاههای حقوقی یا کیفری یا نظامی دو صادر می شود جز به درخواست رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور قابل تجدیدنظر مجدد در دیوان عالی کشور نمی باشد .

### فصل دوم - دیوان عالی کشور

ماده ۳۶ - دیوان عالی کشور در تهران تشکیل می شود . اگر شورای عالی قضایی مصلحت بداند میتواند در شهرستانهای دیگر نیز شعبی تشکیل دهد .

ماده ۳۷ - شعب دیوان عالی کشور به حسب مقدار نیاز متعدد خواهد بود و ریاست دیوان عالی کشور بعهده رئیس شعبه اول است و پروندهها به دستور او به شعب دیگر ارجاع می شود و میتواند اختیارات خود را در خصوص ارجاع پروندهها و ریاست جلسات هیات عمومی به رئیس یکی از شعب دیگر و یا معاون قضایی خود محول نماید .  
تبصره - معاون قضایی باید واجد شرایط مذکور در ماده ۳۹ باشد .

ماده ۳۸ - هریک از شعب دیوان عالی کشور از دو نفر قاضی واجد شرایط که یکی



## تعالیه

از آنها رئیس و دیگری مستشار است تشکیل می‌شود .  
تبصره - دیوان عالی کشور به تعداد لازم برای شعب عضو معاون خواهد داشت و عضو معاون میتواند وظایف هریک از دو عضو شعب را عهده‌دار گردد . تعداد معاونین که نباید بیشتر از تعداد شعب باشد طبق نظر شورای عالی قضایی تعیین می‌شود .  
ماده ۳۹ - رئیس ، مستشار و عضو معاون باید یا مجتهد باشند و یا ۱۰ سال تمام در درس خارج شرکت نموده باشند و یا دارای ۱۰ سال سابقه کار قضایی و یا وکالت بوده و آشنایی کامل به قوانین مدون اسلامی داشته باشند .  
تبصره - تشخیص دارا بودن شرایط فوق بعهدہ شورای عالی قضایی است .  
ماده ۴۰ - هریک از اعضاء شعب دیوان عالی کشور موظف است پرونده ارجاعی را با حفظ نوبت و کمال دقت مطالعه و بررسی نموده پس از مشاوره کافی بطور مستدل اظهار نظر نماید .  
تبصره - پرونده‌ها کلا به نوبت رسیدگی می‌شود مگر در موارد فوری که به تشخیص رئیس رسیدگی خارج از نوبت بعمل خواهد آمد .  
ماده ۴۱ - در صورت اختلاف نظر بین دو عضو شعبه عضو معاون و با یکی از قضات شعب دیگر به آنان ضمیمه و نظر اکثریت ملاک خواهد بود .  
ماده ۴۲ - متداعیین یا وکلای آنان برای رسیدگی احضار نمی‌شوند مگر آنکه شعبه دیوان عالی کشور حضور آنان را برای اداء توضیحات لازم بداند که در این صورت کسانی که حضورشان لازم است احضار می‌گردند و پس از استماع توضیحات آنها و اظهار عقیده دادستان کل کشور یا نماینده او شعبه مبادرت به صدور رای می‌نماید ولی عدم حضور احضارشدگان بدون عذر موجه صدور رای را به تاخیر نمی‌اندازد .  
تبصره - دادستان کل کشور یا نماینده او ضمن اظهار عقیده راجع به رای دادگاه میتواند به یک یا چند جهت پیش‌بینی شده برای تجدید نظر نسبت به مواردی که دارای جنبه عمومی است یا مورد اعتراض ذیحق قرار گرفته تقاضای تجدید نظر نماید .  
ماده ۴۳ - کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون لغو می‌گردد .

لایحه فوق مشتمل بر چهل و سه ماده و بیست و شش تبصره که طبق اصل ۸۵ قانون اساسی در جلسه مورخ ۱۳۶۸/۴/۲۰ کمیسیون امور قضائی و حقوقی تصویب و در جلسه علنی روز چهارشنبه سی و یکم خرداد ماه یک هزار و سیصد و شصت و هشت با پنج سال مدت آزمایشی آن موافقت گردیده است . / ن

رئیس مجلس شورای اسلامی

اکبر هاشمی

۲۸